

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تجزیه و ترکیب آیات ۱۹ الی ۲۴ سوره مبارکه نوح

• وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا (۱۹)

۱. معطوف علیه برای "والله جعل لكم الارض"
 - عطف بر "الله أنبتكم من الارض نباتاً"
 ۲. معنای جعل در "جعل لكم الارض"
 - چند احتمال در آن است:
 ۱. به معنای صیر از افعال تصییر: در این صورت "بساطاً" مفعول دوّم می شود.
 ۲. به معنای "خَلَقَ": در این صورت "بساطاً" حال از "الارض" می شود.
 ۳. به معنای "وَضَعَ": در این صورت نیز "بساطاً" مانند فرض قبلی حال می شود.
 ۴. به معنای "أَعْطَى": در این صورت نیز "بساطاً" مانند حالت سابق می شود.
۳. بررسی لغوی و تجزیه و ترکیب "بساطاً"
- وزن فِعَال به معنی المفعول است از فعل "بَسَطَ، يَبْسُطُ، بَسَطًا" و این وزن به معنای مفعول برای مذکر و مؤنث ظاهراً یکسان استعمال می گردد.

• لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۲۰)

۴. متعلق "لَتَسْلُكُوا"
 - جعل
۵. بررسی لغوی "تسلکون"
 - سَلَكٌ، يَسْلُكُ، سُلُوكًا: به سه صورت استعمال می گردد:
 - ۱. متعدّی بنفسه یک مفعولی؛ مانند: سَلَكْتُ الطَّرِيقَ: أي ذهبْتُ فيه
 - ۲. متعدّی بنفسه دو مفعولی: سَلَكْتُ زَيْدًا الطَّرِيقَ: زيد را در طريق بردم.
 - ۳. متعدّی به دو مفعول به اولی بنفسه و به دوّمی با حرف جرّ؛ مانند: سَلَكْتُ الطَّرِيقَ بَزِيدٍ
۶. معنای "مِنْ" در "منها"
 - تبعیضیه یا استعلاء (مثال مغنی برای استعلاء در مِنْ مانند: نصرناه من القوم الذين كذبوا بآياتنا)
۷. بررسی لغوی و تجزیه "فِجَاجًا"

- جمع فَجَّ است و فَجَّ به معنای راه بزرگ و واضح است و همچنین به معنای درّه و شکاف بین دو کوه نیز آمده است و از این ریشه فعل فَجَّ يَفْجُجُ فَجْجاً به معنای: بین دو پایش فاصله انداخت و فَجَّ الارضُ يَفْجُجُ فَجْجاً به معنای: در زمین شکاف ایجاد کرد؛ استعمال شده است.

• قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱)

۸. نقش جمله "قال نوح"

- استینافیه

۹. معنای باب افتعال در "اتبعوا"

- مطاوعه با افعال از ماده تبع است و دلالت می کند بر تبعیت با قصد و اراده کما اینکه مقتضای مطاوعه همین است (التحقیق) بنابراین معنایش این است که اشخاصی (شیاطین انسی و جّی) آنها را تبعیت دادند از کسانی که مال و ولدشان جز خسارت چیزی به دنبال ندارد آنها هم با قصد و اراده تبعیت از این افراد تبعیت کردند.

- ثلاثی مجرد از این فعل (تَبِعَهُ يَتَّبِعُهُ تَبَعًا) متعدی بنفسه یک مفعولی است و وقتی به باب افعال می رود دو مفعولی می شود و مطاوعه دو مفعولی، یک مفعولی می شود.

۱۰. بررسی "لم یزد" و ترکیب "خساراً"

- همانطور که ذیل آیه ششم این سوره بیان شد فعل زاد به صورت لازم و متعدی یک مفعولی و دو مفعولی استعمال می شود و اینجا دو مفعولی استعمال شده است و "خساراً" مفعول دوم آن است.

۱۱. تجزیه "خساراً"

- مصدر است از فعل: خَسِرَ، يَخْسِرُ؛ یا از فعل: خَسَرَ، يَخْسِرُ (دومی لغت شاذ است)
- از این فعل هفت مصدر استعمال شده است: خَسِرًا، خَسَرًا، خُسِرًا، خُسِرًا، خُسِرَانًا، خَسَرَاتًا، خَسَارًا
- ریشه این فعل به معنای زیان در مقابل سود است. (التحقیق)

• وَ مَكْرُوهًا مَكْرًا كَبْرًا (۲۲)

۱۲. معطوف علیه برای "و مکروا"

- صله "من" یعنی: لم یزده

۱۳. تجزیه "کباراً"

▪ اسم مبالغه مانند: طُوَال، مَحْجَاب، حُسْنان، جُمَال؛ معنای آیه: و حیلہ ای بسیار بزرگ به کار گرفتند (از افراد شایسته که از دنیا می رفتند جهت تکریم آنها بت می ساختند و کم کم مردم جهت ساختن بت را فراموش کردند و به پرستش آنها مشغول می شدند و این مکارهایی که این بت ها را ساخته بودند آنها را تشویق به بت پرستی و رها نکردن این رویه می کردند).

• وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ وَ لَا تَدْرُنَّ وِدَّآ وَ لَا سُوَاعًا وَ لَا يَغُوْثَ وَ يَعُوْقَ وَ نَسْرًا (۲۳)

۱۴. معطوف علیه "و قالوا"

▪ عطف بر صله "من"

▪ نکته: این اسامی که در آیه آمده است اسامی اولین بت هایی بودند که از خلقت انسان ساخته شدند و این بت ها در طوفان نوح دفن شده بودند که با راهنمایی ابلیس دوباره بیرون کشیده شدند و عرب جاهلیت در کنار لات و عزی و هبل (بزرگترین بت که نه متر طول داشت) و سائر بت ها مورد پرستش قرار گرفتند و در زمان نوح هر کدام به عنوان نماد و یادبود انسان های شایسته بین آدم و نوح ساخته شده بودند که در زمان نوح کم کم مورد پرستش قرار گرفتند.

• وَقَدْ أَضَلُّوْا كَثِيْرًا وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

۱۵. معطوف علیه "و قد اضلوا"

▪ عطف بر صله "من"

۱۶. معطوف علیه "و لا تزد"

▪ عطف بر مقول قول (قال نوح رب ائهم عصوني)

۱۷. تجزیه "ضلالا"

▪ مصدر فعل: ضَلَّ، يَضِلُّ، ضَلَالًا و ضَلَالَتًا